

بسم الله الرحمن الرحيم

شرف نامه

نظمی و بحر

به اهتمام فرزاد اسلامی

سرشناسه: نظامی، الیاس بن یوسف، ۲۵۳۰-۴۶۱۴ق.

عنوان و نام پدیدآور: شرفنامه/ نظامی گنجوی؛ به اهتمام فرزانه اصلانی مناف.

مشخصات نشر: تهران: آزادوار، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۳۳۰ ص.

شابک: 978-600-91566-3-4

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: شعر فارسی -- قرن عی.

شناسه افزوده: اصلانی مناف، فرزانه، ۱۳۶۵-

کتابشناسی: پ ۱۳۹۲ ۱۳۲۷ PIR5127

ردیف دیوبی: ۸۵۱/۲۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۶۴۷۱۹

آدرس: خ کارگر جنوبی - ترسید - خوری - برج مهستان - ط پنجم - واحد ۵۰۲

مرکز بخش: کیمیا سعاد - ۶۶۹۴۷۰۹۵ - همراه: ۰۹۱۲۱۳۶۸۳۳۳

شرف نامه

نظامی گنجوی

به اهتمام: فرزانه اصلانی مناف

ناشر: آزادوار

ناظر فنی چاپ: سپهرداد نامی

صفحه آرای: نوین گرافیک ۶۶۴۱۲۳۲۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

چاپ: آسمان

حق چاپ برای خانم فرزانه اصلانی مناف محفوظ است

شابک: ۳-۴-۹۱۵۶۶-۶۰۰-۹۷۸

فهرست مطالب

پیشگفتار:	۵
بخش ۱ - به نام ایزد بخشانیده	۷
بخش ۲ - مناجات به درگاه باری عز شانه	۱۱
بخش ۳ - در نعت خواجه کاینات	۱۳
بخش ۴ - در معراج پیغمبر اکرم	۱۵
بخش ۵ - در سابقه نظم شرفنامه	۱۸
بخش ۶ - در حدیث حال و انجام روزگار	۲۱
بخش ۷ - در حدیث این نامه بر دیگر نامه‌ها	۲۵
بخش ۸ - نظم خض در گفتن داستان	۳۰
بخش ۹ - تعریف از پادشاهان به طریق ایجاز	۳۴
بخش ۱۰ - تعریف از پادشاهان به طریق ایجاز	۳۹
بخش ۱۱ - رعب نظری به نظم شرفنامه	۴۳
بخش ۱۲ - آغاز داستان و نام اسکندر	۴۵
بخش ۱۳ - دانش آموز اسکندر و اچس حکیم پدر ارسطو	۴۹
بخش ۱۴ - پادشاهی اسکندر و جنگ با داریوش	۵۲
بخش ۱۵ - تظلم مصریان از زدن اسکندر	۵۵
بخش ۱۶ - پیکار اسکندر با لشکر روم	۵۸
بخش ۱۷ - باز گشتن اسکندر از جنگ	۷۶
بخش ۱۸ - سگالش نمودن اسکندر بر جنگ داریوش	۷۹
بخش ۱۹ - آیین ساختن اسکندر	۸۵
بخش ۲۰ - خراج خواستن دارا از اسکندر	۸۷
بخش ۲۱ - شتافتن اسکندر به جنگ دارا	۹۲
بخش ۲۲ - رای زدن دارا با بزرگان ایران	۹۶
بخش ۲۳ - نامه دارا به اسکندر	۱۰۴
بخش ۲۴ - پاسخ نامه دارا از جانب اسکندر	۱۰۷
بخش ۲۵ - جنگ دارا با اسکندر	۱۱۱
بخش ۲۶ - کشتن سرهنگان دارا را	۱۱۱
بخش ۲۷ - نشستن اسکندر بر جای دارا	۱۱۷
بخش ۲۸ - ویران کردن اسکندر آتشکده‌های عجم را	۱۱۷
بخش ۲۹ - خواستاری اسکندر روشک را	۱۴۹
بخش ۳۰ - به پادشاهی نشستن اسکندر در اصطخر	۱۴۹
بخش ۳۱ - فرستادن اسکندر روشک را به روم	۱۵۴
بخش ۳۲ - رفتن اسکندر به جانب مغرب و زیارت کعبه	۱۵۸
بخش ۳۳ - داستان نوشابه، پادشاه بدوع	۱۶۳

بخش ۳۴ - بزم اسکندر یا نوشابه	۱۷۹
بخش ۳۵ - رفتن اسکندر به کوه البرز	۱۸۳
بخش ۳۶ - گشودن اسکندر دزد دریند را به دعای زاهد	۱۸۷
بخش ۳۷ - رفتن اسکندر به دژ سریر	۱۹۴
بخش ۳۸ - رفتن اسکندر به غار کیخسرو	۲۰۰
بخش ۳۹ - رفتن اسکندر به ری و خراسان	۲۰۴
بخش ۴۰ - رفتن اسکندر به هندوستان	۲۱۰
بخش ۴۱ - رسیدن نامه اسکندر به کید هندو	۲۱۵
بخش ۴۲ - رفتن اسکندر از هندوستان به چین	۲۱۹
بخش ۴۳ - سگالشی خاقان در پاسخ اسکندر	۲۲۹
بخش ۴۴ - مناظره نقاشان رومی و چینی	۲۲۳
بخش ۴۵ - مهمانی کردن خاقان چین اسکندر را	۲۴۷
بخش ۴۶ - بازگشت اسکندر از چین	۲۵۵
بخش ۴۷ - رسیدن اسکندر به دشت قفجاق	۲۵۸
بخش ۴۸ - رسیدن اسکندر به کشور روس	۲۶۲
بخش ۴۹ - جنگ اسکندر با روسیان	۲۶۷
بخش ۵۰ - دوم اسکندر با روسیان	۲۷۱
بخش ۵۱ - اسکندر با روسیان	۲۷۴
بخش ۵۲ - جنگ چهارم اسکندر با روسیان	۲۷۷
بخش ۵۳ - جنگ پنجم اسکندر با روسیان	۲۸۰
بخش ۵۴ - جنگ ششم اسکندر با روسیان	۲۸۱
بخش ۵۵ - جنگ هفتم اسکندر با روسیان	۲۸۴
بخش ۵۶ - پیروزی یافتن اسکندر بر روسیان	۲۹۵
بخش ۵۷ - رهائی یافتن نوشابه	۲۹۸
بخش ۵۸ - نشاط کردن اسکندر با کتیرک	۳۰۲
بخش ۵۹ - افسانه آب حیوان	۳۱۰
بخش ۶۰ - رفتن اسکندر به ظلمات	۳۱۶
بخش ۶۱ - بیرون آمدن اسکندر از ظلمات	۳۲۱
بخش ۶۲ - باز آمدن اسکندر به روم	۳۲۵
بخش ۶۳ - در ستایش اتابیک نصره الدین	۳۲۸

پیشگفتار:

اختلاف و شاید جنگی جدید در بین کشورها (مخصوصاً کشورهای همسایه در آسیای غربی و خاورمیانه) اتفاق افتاده که خاک، مراسم و افتخارات کشورهای دیگر را به نام ملت و کشور خود ثبت کنند از ثبت آیین، سرگرمی‌ها و بازی‌ها گرفته تا شعر و ادب و خاک و جزایر. کشورهایی که سعی در سرقت افتخارات و ستارگان علم، ادب و هنر سایر همسایگان خود می‌کنند باید گاهی برای اثبات ادعای پوچ خود با کشورهای دیگر هم دست به هم می‌زنند. کشور ایتالیا که محسباتی از نظامی را در میدانی در کشورش نصب نموده و ظاهر و زیر پوشش نظامی شاعر آذربایجانی، این چنین است در مورد نظامی گنجوی و موارد دیگر در ایران، بازی می‌کند، که نه تنها کشور همسایه، بلکه هم‌دستان وی در سرقت آن از کشورمان موفق هم بوده‌اند. بدین ترتیب در آینده‌ای نه چندان دور باید منتظر روزی باشیم که عید نوروز به نام اعراسان و حتی تخت جمشید به نام یونانی‌ها خلیج فارس به نام امارات و ... باشیم. حداقل آنها را با بلوگر از این عمل برگزاری بزرگداشت‌ها و مناسبت‌های مختلف بین‌المللی به دور از بازیگری‌ها و تمسبات خشک به نام مشاهیرمان می‌باشد و همزمان به فکر طرح این بازگرداندن شرافت‌های به سرقت رفته کشور باشیم که هیچ‌یک از اینها بی‌همکاری مسئولین و ادب و هنرمندان مردمی در این مسیر میسر نیست.

در مورد نظامی گنجوی، که کشور آذربایجان پیش‌قدم شده به گونه‌ای گویی آنها نظامی گنجوی را با نظامی قونوی که از شاعران عهد عثمانی است جایگزین کرده‌اند. در صورتی که چنان‌که به نظامی نسبت می‌دهند وی در تفرش به دنیا آمد و سپس به عراق پدر خود، یوسف، به گنجه عزیمت نموده و عاقبت در همان جا هم وفات یافت. در این باره این مدعا سروده‌ای در اقبالنامه است که چنین گفته:

چو در کرد و برگزیدم وی از تفرش شرفم

به تفرش وی ست نامم نظامی از اقبالنامه

از این دو بیت، هم به تولد نظامی در تفرش و هم به حضور انبوه شاعران قرن ششم که در گنجینه مرکز شعر و داستان آن زمان زندگی می کرده‌اند پی برد. چنانکه در کتاب نزهت‌المجالس شعرهایی از بیست و چهار شاعر پارسی‌گوی اهل گنجه از قبل از حمله مغول بیان شده که این تعداد شاعر پارسی در قرن ششم و هفتم «که نظامی خود را ذری در دریای شاعران گنجه می‌داند» نشان از آن است که زمان و ادبیات فارسی در آنجا در بین مردم رواج داشته و زبان مردم در کوچه و بازار هم پارسی بوده است.

نظامی از شعرای سبک عراقی است که خود را پارسی زاده می‌داند چنانکه در لیلی و جوی خود می‌گوید:

و بمانم پاری زاده از مال عربم پنهان کنیاد

یعنی ضمیده خود نظامی به پارسی بودن (اهل تفرش بودن) و پارسی زاده بودن خود اقرار داشته و نیز او را همچنان ایرانی خوانیم دانست. لذا از مسئولین محترم تقاضا کرده تا در بازگشتی مشاهیر و مراسم مان اقدامی شایسته نمایند. ما نیز به توبه خود اعلام آمادگی می‌کنیم و هم‌زمان خود را اعلام می‌نماییم.

علی آزادواری